

## "افزوده ای بر جنگلی ها"

(شعری از شاعر گرسنگان و محرومان، خسرو گل سرخی برای سیاهکل)

کویی درخت های "سیاهکل".

تا دشت و شهر ریشه دوانده ست

که غرش سلاح و جوشش خون شهید

هر دو فزونی می گیرد

بذری که "کوچک" و "عمو اوغلی" پاشیدند

اکنون نهال می شود

اکنون نهال ها ...

بنگر که کوه و شعر

شب‌شب آذین می گردد

با قامت بلند بپا خاستگان ...

واخوردگان

گفتند یاوه:

"جانی جبار با صد هزار گزمه و خنجر مسلح است

جز صبر و انتظار، رهی نیست"

اما،

ای همچون من به کار، تو ای بیدار!

بر بام شب بایست، نظر کن:

دریایی از درخت سترگ و مسلح است

کاینک به سوی "تکبث" می آید...